

## ویژگی های کلان مشاغل و شاغلین در بخش کشاورزی و جامعه روستایی

محسن ابراهیم پور - عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی  
احمد ترک نژاد - عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی

### چکیده

حدود ۵۷۰۰ هزار نفر (بیش از ۴۰ درصد) از شاغلین کشور در بخش کشاورزی (زراعت و باغبانی، شیلات و آبیان، دام و طیور، منابع طبیعی، صنایع کشاورزی و روستایی و خدمات کشاورزی و روستایی) و جامعه روستایی مشغول به فعالیت هستند. به علاوه اینکه هر شاغل در بخش کشاورزی و جامعه روستایی، به طور متوسط در ۳۸۰۰ واحد بهره برداری مشغول به کار است. مثلاً هر چند واحدهای بهره برداری کشاورزی کشور کمتر از سه میلیون مورد است، لیکن بهره برداران زیربخش های شش گانه بیش از ۱۱ میلیون واحد را شامل شده اند. این نمایانگر آن است که هر قدر شاغل در بخش کشاورزی در چندین فعالیت اقتصادی سهم است، تنوع فعالیت در امور زراعی، باغی، دامی نکته بسیار مهمی در تبیین وضعیت متغیرهای الگوی شغلی است. این دو مؤلفه یعنی سهم ۴۰ درصدی شاغلین بخش کشاورزی و جامعه روستایی در اشتغال کشور و تنوع فعالیت های شغلی آنها، و همچنین ویژگی ها و اختصاصات شغل و شاغلین کشاورزی و روستایی از جمله عوامل تعیین کننده در طراحی استانداردهای آموزشی و آموزش شاغلین کشاورزی و روستایی هستند. در این مقاله، نتایج حاصل از اجرای پروژه ملی تدوین استاندارد آموزشی مشاغل کشاورزی و روستایی در مرحله تجزیه و تحلیل این مشاغل، آن هم در سطح کلان آورده شده است. این ویژگی ها و اختصاصاتی که در سطح خرد با استفاده از رویه های پیمایشی در ۱۸۰۰ واحد نمونه ای حاصل گشته است، مشروط وضعیتی هنجاری و محتوایی مشاغل کشاورزی و روستایی در ایران جهت آموزش متناسب کارآمد و اثربخش نمایان می سازند. مطمئناً بازخورد این یافته ها در طراحی استانداردهای آموزشی و در اجرای برنامه های آموزشی، از هدر رفتن منابع مالی، انسانی و فیزیکی، می کاهد، در شرایط کنونی هر شاغل کشاورزی و روستایی، از یک طرف در طول یک سال، فقط یک بار امکان حضور در یک کلاس آموزشی پنج روزه را پیدا می کند و از طرف دیگر، محتوای دوره آموزشی، کمتر با نیازها و اقتضائات او تناسب دارد. بر این مبنای تحول اساسی در شیوه های آموزشی، آموزش متناسب و پرهیز از زیادآموزی، کم آموزشی و آموزش های غیر ضروری و گسترش سطح پوشش آموزشی، مستلزم شناخت ویژگی ها و جهت گیری ها در شاغلین و مشاغل کشاورزی و روستایی است، این مهم در سه مرحله از اجرای پروژه یعنی شناسایی و طبقه بندی مشاغل روستایی و کشاورزی، آنالیز مشاغل و تدوین استانداردهای آموزش و

بالاخص در مرحله دوم آن، در سطوح کلان و خرد تشریح و تحلیل شده‌اند. در این مقاله، یافته‌های سطح کلان که هر یک نقشی تعیین کننده در برنامه ریزی آموزشی دارند، تشریح شده‌اند و در مقالات بعدی به بیان ویژگی های خرد و روش شناسی سه مؤلفه ای استاندارد آموزشی مشاغل و همچنین نتایج و پیشنهادها پرداخته می شود.

## واژه های کلیدی: شغل، شاغل، کشاورزی، روستایی، آموزش

### مقدمه

نیروی انسانی هر جامعه‌ای سرمایه جاودان و فعال تولید و فن آوری بوده و بوجود آورنده رفاه مادی و عامل نیل به اهداف معنوی و تعالی می‌باشد و دیگر عوامل تولید یعنی سرمایه و فن آوری، مؤلفه‌های تبعی هستند و این نیروی انسانی است که سرمایه‌ها را متراکم کرده، ابداعات و اختراعات را عینیت بخشیده، تکنولوژی را خلق کرده و جامعه را در مسیر تعالی و بهروزی قرار می‌دهد.

از طرف دیگر، محرک بنیادین و مؤلفه اساسی کارآمدی، مفید بودن، اثربخشی و بهره‌وری نیروی انسانی، آموزش و تربیت متناسب و مطلوب است، در جوامع متحول کنونی، آموزش مادر علم، علم، علم زاینده تکنولوژی و تکنولوژی شرط اساسی توسعه درون‌زا است. بی شک هر جامعه‌ای که در تربیت و ارتقاء تخصصی نیروی انسانی و بکارگیری بهینه آن، ناکارآمد باشد، قادر به توسعه هیچ چیز دیگری جز گسترش فقر، بیکاری و نابهنجاری نخواهد بود. در رویکردهای نوین توسعه‌ای، نظیر تئوری توسعه گزینه‌ای (یا بدیل) تئوری توسعه پایدار انسانی، نیز اساس و بنیان توسعه بر تربیت و آموزش متناسب نیروی انسانی متمرکز است. این درحالی است که ناکارایی و ناهم‌نتابی حاصل از راهکارهای اجرایی ملهم از تئوری‌های لیبرالی و نئولیبرالی نظیر مدرنیته کردن یا نوسازی و رویکردهای مقابل نظیر تئوری وابستگی<sup>۱</sup> که بر عوامل و مؤلفه‌های دیگر نظیر سرمایه و تراکم سرمایه، واردات تکنولوژی، تمایز ساختی، نظام جهانی و ... غالباً تأکید می‌کردند، به خوبی نمایان گشته است. در شرایط متحول کنونی، عمده‌ترین جهت‌گیری مسأله‌ای<sup>۲</sup> سازو کار تربیت و ایفای نقش‌های کارکردی نیروی انسانی است. در این طرح، حقوق بخش عمده‌ای از این جهت‌گیری مسأله‌ای در مورد مشاغل روستایی و کشاورزی ممکن می‌گردد. شکی نیست، آموزش نامتناسب با نیازها و ضرورت‌های کارکردی، در دهه‌های اخیر، نه تنها بیکاری خیل عظیم نیروی انسانی تحصیل کرده را در پی داشته، بلکه باعث هدر رفتن هزاران میلیارد ریال از منابع کشور در سطح کلان و خرد شده است. از طرف دیگر پایین بودن سطح دانش و تخصص نیروی انسانی شاغل در بخش‌های کشاورزی و روستایی که نمودهای آن را در همه زمینه‌ها از قبیل

1. Alternative Development Theory
2. Human - Sustainable Development Theory
3. Modernization Theory
4. Dependency Theory
5. Promlem Orientation

شیوه شخم زدن، شیوه‌های بهره‌گیری از مراتع و جنگل‌ها و .... می‌توان به خوبی اندازه‌گیری نمود، نه تنها به بحران زیست محیطی منجر گردیده و تخریب شدید زمین‌های حاصل خیز (سالانه حدود ۲ میلیارد تن خاک) را در پی داشته، بلکه هدر رفتن صدها میلیارد ریال از اجرای طرح‌های آبخیزداری را به همراه داشته است و علاوه بر آنها، پایین بودن عملکرد در هکتار، استفاده نادرست از مراتع و جنگل‌ها، بازدهی پایین صنایع دستی و روستایی و .... از پیامدهای موقعیتی و شرایطی چنین وضعیتی هستند. بنابراین با دو مسأله بنیادین روبه‌رو می‌باشیم که عبارتند از:

- ۱- پایین بودن سطح دانش و تخصص نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی و روستایی.
- ۲- پایین بودن تطابق سطح و ماهیت آموزه‌ها با مشاغل روستایی و کشاورزی. بر این مبنا، ارتقاء کمی و کیفی سطح آموزش و تخصص متناسب و مطلوب در مشاغل کشاورزی و روستایی، "جهت‌گیری مسأله‌ای" طرح مزبور است. تحقق این مهم قبل از هر اقدامی، مستلزم شناخت جامع و فراگیر و واقعی از وضعیت موجود روستایی و کشاورزی و ویژگی‌های نهادی - هنجاری است، شناخت عالمانه جامعه مورد بررسی و تحلیل تجربی مشاغل، تجزیه و تحلیل علمی فعالیت‌های هر شغل و تدوین پودمان‌های آموزشی، هر یک سه فرآیند مهم و منظم این طرح است.

### اهمیت اجرای پروژه

کمال مطلوب در اجرای هر طرح یا پروژه پژوهشی، مشارکت در دانش بشری و ارائه راه‌حل‌ها و راهکارهای اجرایی، جهت حل مسایل و تقلیل مشکلات است. اجرای پروژه مزبور که در آن:

- الف - شناخت ویژگی‌های مشاغل روستایی و کشاورزی
- ب - شناسایی و طبقه‌بندی مشاغل روستایی و کشاورزی
- ج - شناخت مشاغل مورد نیاز آتی در بخش‌های کشاورزی و جامعه روستایی.
- د - تجزیه و تحلیل مشاغل روستایی و کشاورزی بر حسب فعالیت‌های تفصیلی.
- هـ - تدوین استانداردهای آموزشی به صورت پودمانی (مدلار) یعنی هر فعالیت تفصیلی به مثابه یک تار، نیازمند پودمان‌های آموزشی در سطح و با ماهیت معین بوده که مراحل مختلف سیاست‌ها را مشخص می‌سازد که فراگردهای اساسی پژوهش می‌باشند. هم براساس معیارهای علمی و تئوریک و هم بر مبنای ضوابط کارکردی و کاربردی، ضرورت و اهمیت بنیادی دارد. زیرا از یک طرف، با اجرای این طرح برای اولین بار در کشور، مشاغل روستایی و کشاورزی و نیازهای آموزشی متناظر هر شغل با روش‌های علمی و تجربی شناخته شده و در پی آن، مبانی بینشی، علمی و واقعی جهت برنامه‌ریزی‌های آموزشی در همه سطوح، خاصه سطوح دانشگاهی و سازمانی به دست می‌آید و از سوی دیگر، تحولی اساسی در نظام‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، علمی - کاربردی حاصل می‌شود. واقعیت‌های موجود، حاکی از آن است که برنامه‌ریزی در

نظام های آموزشی موجود، خاصه آموزش فنی و حرفه ای و علمی - کاربردی، مبتنی بر آزمون و خطا و به شیوه های غیر علمی و نامعتبر صورت می گیرد و پیامدهای آن با میلیاردها ریال هدر رفتن منابع توأم است. علاوه بر اینکه، در شرایط منحصر به فرد تاریخی، که بسیاری از اندیشمندان بر آن نام، گذار یا انتقال نهاده اند، موفقیت کل نظام اجتماع جامعه ای کشور در فائق آمدن بر نابسامانی و مشکلات و بحران هایی نظیر چالش گذشته و آینده (سنت و مدرنیزم)، نابهنجاری ها و انحرافات، بیکاری و ... همچنین توسعه ثبات و نظم نسبی و پویا در درون نظام های فرهنگی - هنجاری، اجتماعی - مردمی، اقتصادی - عقلایی، سیاسی - امکانی، در پرتو برخورداری از نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص میسر خواهد بود. و طرح مزبور و پروژه های آن در بخش ها و مشاغل فوق الذکر، بنیان های نظری - شناختی و عملیاتی - کاربردی را فراهم می کند و بر این اساس نیز، اجرای طرح مزبور در زمره ضروری ترین و مهم ترین طرح های پژوهشی در سطح ملی بوده است و حداقل به میزان قابل توجهی پیامد مثبت در امر اشتغال جوانان خواهد داشت. در این مقاله ویژگی های مشاغل در سطح کلان ارائه می شود.

### ضرورت تدوین استاندارد آموزشی مشاغل روستایی و کشاورزی در ایران

اگر این ادعا را بپذیریم که در سال ۲۰۳۰ کره زمین میزبان ۳ میلیارد نفر جمعیت اضافی خواهد بود و جمعیت جهان به هشت میلیارد نفر خواهد رسید ناگزیر باید پذیرفت که تقاضا برای مواد غذایی تا حدود دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمعیت کنونی جهان بالغ بر ۹۰۰ میلیون نفر با گرسنگی مواجه اند که شمار آنان روبه افزایش است و پیش بینی می شود با توجه به کاهش پتانسیل های تولیدی کره زمین بر اثر استفاده غلط و بی رویه انسان ها در گذشته، تغذیه جمعیت ۹ میلیاردی جهان با مشکلات فراوانی مواجه گردد. فشارهای فزاینده بر منابع طبیعی جهان و نابودی ۱۰ درصد از زمین های بالقوه بارور کره زمین و در معرض ویرانی قرار گرفتن ۲۵ درصد دیگر، را در پی داشته و همه ساله ۷۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی در اثر فرسایش و شوری از بین می رود، و بیش از ۲۰ میلیون هکتار از جنگل های گرمسیری، قطع و نابود می شود. کاهش منابع آب شیرین در جهان، به علت بهره برداری های غلط و آلودگی از نظر کمی و کیفی و رشد جمعیت و کاهش سرانه آب شیرین در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی، جهان و خصوصاً این کشورها را با بحران آب مواجه خواهد نمود. در کشور ایران نیز متأسفانه با پیامدهای تخریب منابع طبیعی مشتمل بر کاهش سطح جنگل ها از ۱۸ میلیون هکتار در دهه ۱۳۴۰ به حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار، کاهش سطح مراتع و علف زارها از ۱۲۵ میلیون هکتار به ۹۰ میلیون هکتار، برداشت بی رویه از ذخایر آب های زیرزمینی و تراز منفی شدید منابع آب تعدادی از دشت های مستعد کشور، فرسایش حدود ۲ میلیارد تن رسوب سالانه خاک سطح الارضی و بیش از ۱ میلیون هکتار بیابان زایی، شوری و زهدار شدن اراضی کشاورزی، آلودگی شدید منابع

آب های سطحی و زیرزمینی در مراکز صنعتی و جمعیتی کشور و با سایر آثار شوم تخریب زیست محیطی، مواجه هستیم. از سوی دیگر نیز جمعیت کشور از ۳۳/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به (۷۰-۷۲) میلیون نفر در پایان برنامه سوم (سال ۱۳۸۵) بالغ خواهد شد و وابستگی غذایی (که در شرایط کنونی معادل ۲۵ درصد از نیاز کشور وابسته به محصولات استراتژیک کشاورزی وارداتی است) و ارزشی مواد و محصولات غذایی که در سال ۱۳۷۴ معادل ۷۸ میلیارد دلار بوده است بیشتر خواهد شد و با توجه به خشکسالی های دوره ای، تأمین نان مردم برای دولت یکی از بزرگترین معضلات خواهد بود. به تعبیر دیگر برای جمعیت ۶۱ میلیون نفری تنها قادریم نیاز ۷۵ درصد آنان را تأمین نماییم. بنابراین برای جمعیت فزاینده کشور که در افق سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر خواهد شد، از هم اکنون لازم است چاره اندیشی شود. سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به منظور حفظ ظرفیت های تولیدی، افزایش بهره وری ظرفیت های موجود و تجهیزات منابع جدید از مهم ترین تدابیر لازم خواهد بود. تأمین سرمایه در بخش کشاورزی از طریق سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی انجام می گیرد. در بخش دولتی اعتبارات عمرانی و منابع داخلی شرکت های دولتی قرار دارد و در بخش خصوصی سیستم بانکی و سرمایه های خصوصی بهره برداران قرار داشته که باعث تشیکل سرمایه می گردند. سهم بخش کشاورزی از تشیکل سرمایه در اقتصاد ملی در دو دهه گذشته حدود (۵/۹) درصد بوده است. گرچه اساساً نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص در دوره مذکور بسیار پایین است (متوسط ۱۷/۶ درصد) اما در مورد بخش کشاورزی رقم و نسبت تشیکل سرمایه با توجه به اهمیت بخش، غیر منصفانه و ناعادلانه به نظر می رسد.

نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده به طور متوسط در دوره مطالعه، حدود (۴/۹) در صد است، به این مفهوم که (۴/۹) درصد از مجموعه ارزش افزوده بخش کشاورزی مجدداً به صورت سرمایه گذاری به بخش بازگردانده شده است و این در حالی است که این نسبت برای بخش صنعت و معدن (۱۶/۲) درصد (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱) می باشد. شاخص ICOR به عنوان یک شاخص اقتصادی می تواند راهنمایی برای تصمیم گیری های سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی باشد (شاخص ICOR و یا نسبت افزایش سرمایه به افزایش تولید عبارت است از مقدار سرمایه اضافی مورد نیاز برای تولید واحد اضافی از محصول). با این شاخص می توان میزان تأثیر کلی سرمایه گذاری در یک بخش را محاسبه نمود و میزان بازدهی آن را با سایر بخش ها مورد مقایسه و تحقیق قرار داد. شاخص مورد نظر، طی سال های ۶۹ تا ۷۳ برای بخش های مختلف اقتصادی و کل کشور محاسبه شده است. این ضریب طی دوره مذکور در کل بخش های اقتصادی (۲/۳۲)، در بخش کشاورزی (۰/۶۵)، در بخش صنعت و معدن (۲/۴۵) و در سایر بخش های (۲/۷۶) بوده است. اختلاف بسیار زیاد این شاخص در بخش های کشاورزی به ازای هر یک ریال سرمایه گذاری (۳/۸) برابر ارزش افزوده ایجاد شده در بخش صنعت و معدن می باشد. بی تردید از اهداف برنامه ریزان کشوری، تربیت نیروی انسانی برای برطرف نمودن نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می باشد. در واقع انسان به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تولید و رکن اساسی هر گونه فعالیت اقتصادی در مرکز توجهات برنامه ریزان قرار دارد. افزایش روزافزون جمعیت و گسترش دامنه نیازهای آن از یک سو و پیشرفت حیرت آور بشر در عرصه های گوناگون

اقتصادی به ویژه کشاورزی و صنعت از سوی دیگر، زمینه تشکیل واحدهای تولیدی بسیاری را فراهم آورده است که هر یک در جهت تأمین بخشی از نیازهای بشر فعالیت می‌نمایند. مع الوصف مسائل مربوط به اشتغال که متأثر از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، امروزه به طور وسیعی در مباحث کلان‌کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مطرح می‌باشد. مقوله اشتغال و ایجاد تعادل نسبی در بازار کار، مانند یکی از سیاست‌های کلان همواره مورد توجه بوده و استفاده بهینه از نیروی انسانی برای بهبود ساختار اقتصادی و اجتماعی و دستیابی به هدف‌های توسعه همه‌جانبه بسیار حائز اهمیت و در اولویت می‌باشد. این مهم از آنجا سرچشمه می‌گیرد که بخش عظیمی از جمعیت فعال کشور را جوانان تشکیل داده و گسترش فرصت‌های شغلی برای این گروه سنی از ویژگی‌ها و حساسیت خاصی برخوردار می‌باشد.

توجه به آمار و ارقام مربوط به اشتغال در کشور به ویژه در مناطق روستایی می‌تواند بیانگر واقعیت‌های بسیار در این خصوص باشد. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ از مجموع جمعیت کشور (۶۰/۰۵۵/۴۸۸ نفر)، (۶۷۳۱) درصد شهری، (۳۸۳۴) درصد روستایی و (۰/۳۵) درصد غیر ساکن بوده‌اند. ۴۵ میلیون نفر از کل جمعیت، بالای ۱۰ سال سن دارند که از این تعداد ۱۶۰۲۷ هزار نفر را جمعیت فعال به خود اختصاص داده است که شامل ۱۴۵۷۱ هزار نفر شاغل، ۱۴۵۶ هزار نفر بیکار و جویای کار می‌باشند. این نسبت در مناطق روستایی به ترتیب ۵۷۱۱ هزار نفر شاغل و ۵۹۶ هزار نفر بیکار و جویای کار را شامل می‌شود. بررسی آمار و ارقام مربوط به اشتغال در سال‌های ۶۵ و ۷۰ نشانگر افزایش نرخ اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در کشور است. به طوری که درصد اشتغال از جمعیت فعال در سالهای مذکور در کل کشور به ترتیب (۸۵/۸۱) درصد، (۸۷/۸۷) درصد و (۹۰/۲) درصد بوده است و درصد بیکاری و جویای کار به ترتیب (۱۴/۱۹) درصد، (۱۷/۱۳) درصد، (۹/۸) درصد بوده است. همین نسبت در مناطق روستایی به ترتیب درصد اشتغال در سال ۶۵ برابر با (۷۷/۰۸)، در سال ۷۰ برابر با (۸۷/۸۷) و در سال ۷۵ برابر (۹۰/۵۵) درصد بوده است و درصد بیکاری نیز به ترتیب (۱۲/۹۲)، (۱۲/۱۳) و (۹/۴۵) درصد بوده است. از مجموعه جمعیت شاغل کشور بالغ بر ۸۷۹۹ هزار نفر شهری و ۵۷۱۱ هزار نفر روستایی می‌باشند. توزیع جمعیت شاغل بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در شهرها به ترتیب ۴۶۷۰۸۹ نفر (۵/۲۴ درصد)، ۲/۹۳۶۳۶۷ نفر (۳۳/۳۷ درصد)، ۲۲۵۹۷۷ نفر (۵/۳۹ درصد) و ۱۷۵۹۸۸ نفر (۲ درصد) نامشخص اظهار شده است. جمعیت شاغل در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات روستایی به ترتیب ۲/۸۴۷۱۲۹ نفر (۴۹/۷۵ درصد)، ۸۸۲۷۵۳۲ نفر (۲۶/۸۴ درصد)، ۷۲۵۶۹۴۹ نفر (۲۷/۰۱ درصد) و ۷۹۹۵۱ نفر (۷/۴ درصد) نامشخص بیان گردید. بررسی آمار فوق نشانگر بالا بودن سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال جوامع روستایی بوده و این در حالی است که از سال ۳۵ تا ۷۵ همه ساله از میزان اشتغال در بخش کشاورزی کاسته شده و بر میزان اشتغال در بخش صنعت و خدمات افزوده شده است. به طوری که از تعداد شاغلان کشاورزی در سال ۱۳۳۵ در نواحی روستایی کشور تا سال ۱۳۷۵ حدود ۲۵ درصد کاسته شده است. به عبارتی دیگر از رقم (۷۵/۸) درصد سال ۱۳۳۵ به رقم (۴۹/۵) درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است و در مقابل، بخش صنعت و خدمات افزایش داشته است، به طوری که در سال ۱۳۳۵ از مجموع شاغلان

روستایی (۱۲/۶) درصد در بخش صنعت مشغول بوده‌اند که در سال ۱۳۷۵ این رقم به بیش از ۲۶ درصد رسیده است. در بخش خدمات نیز در همان سال مجموعه شاغلان روستایی (۹/۳) درصد بوده است. در حالی که این رقم در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۲۲ درصد افزایش یافته است. بنابراین و با توجه به چشم‌انداز امنیت غذایی در قرن آینده، محدودیت‌های جدی در موضوع واردات محصولات غذایی، وجود پتانسیل‌های طبیعی نسبتاً مناسب در کشور، سهم قابل توجه جامعه روستایی در تولید ناخالص داخلی، اقدامات گسترده زیربنایی در جامعه روستایی توسعه برنامه‌های اشتغال‌زا در روستایان حیاتی است و در این راستا، ایجاد یک نظام آموزشی متناسب، به منظور ارتقاء توانایی‌های فنی و مهارتی برای بهره‌گیری هر چه صحیح‌تر از منابع و سرمایه‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. حال این سؤال مطرح است که آیا دولت به تنهایی قادر به انجام این مهم هست یا خیر؟ قطعاً پاسخ منفی است، زیرا اگر این چنین بود اقدامات دولت می‌توانست تا به حال در پویایی منابع انسانی به طور کامل مؤثر واقع گردد، ما در حال حاضر در ردیف کشورهای با بهره‌وری پایین در تولید محصولات کشاورزی قرار نداشته و حداقل می‌توانست در دستیابی کشور به کشاورزی موفق متخصصین را دچار وحشت نگرداند. از طرف دیگر زیربنای لازم جهت مشارکت به منظور غلبه بر ناتوانی‌های مهارتی جامعه روستایی و کشاورزی فراهم نگردیده که این خود از موانع مشارکت است. حال باید پرسید چاره چیست؟ در صورتی که بخواهیم تولیدکنندگان بخش کشاورزی و روستایی کشور جهت بهره‌برداری بهینه از منابع و عوامل تولید آماده شوند، لازم است که ابتدا مشاغل روستایی و کشاورزی ایران شناسایی و طبقه‌بندی شده و سپس مشاغل فوق‌الذکر تجزیه و تحلیل گردیده و استانداردهای آموزشی جهت تواناسازی شاغلین طراحی، کتب آموزشی ویژه تدوین، نیازسنجی آموزشی و اولویت‌بندی آموزش‌های روستایان و کشاورزان انجام و نهایتاً برنامه‌ریزی لازم در قالب یک نظام آموزشی فراگیر ویژه، به عمل آید. با انجام این اقدامات است که امکان مشارکت کلیه نیروهای متخصص را فراهم می‌کند می‌توان در یک برنامه زمان‌بندی شده، کیفیت تولید را بهبود و قدرت رقابت را بالا برد. از این روست که این موضوع مهم در قالب طرح تدوین استانداردهای آموزشی مشاغل روستایی و کشاورزی در ایران پیشنهاد گردید. این طرح در سه مرحله انجام می‌گیرد: در مرحله اول که هدف آن، طبقه‌بندی (گروه‌بندی) مشاغل و تهیه فهرستی واقعی از مشاغل روستایی و کشاورزی در ایران است، تعداد ۲۸۸۱ عنوان شغلی شناسایی و در شش بخش، ۶۶ زیربخش طبقه‌بندی گردیدند. مرحله دوم، تجزیه و تحلیل مشاغل می‌باشد. در این مرحله هم ویژگی‌ها و مقتضیات مشاغل و هم هر عناوین شغلی تجزیه و تحلیل گردیدند. مرحله سوم، تعیین استانداردهای آموزشی مشاغل تجزیه و تحلیل شده می‌باشد.

#### ◀ اهداف پژوهش

هدف‌های اجرایی این طرح در دو دسته عمده زیر عبارتند از:

#### الف) اهداف اصلی

۱- شناخت ویژگی‌های کلان مشاغل و شاغلین در جامعه روستایی و بخش کشاورزی؛

- ۲- پهنه بندی شغلی کشور بر اساس جهت گیری های شغلی و مشخص کردن حوزه های فعالیت اقتصادی (برای نمونه تعیین پهنه های نوغانداری، منبت کاری، پرورش گل، زعفران کاری در کشور)؛
- ۳- تجزیه و تحلیل ابعاد (محتوایی، الگویی، وضعیتی و فردی) ۳۰۰ عنوان شغلی؛
- ۴- ارائه الگوی نظری و روش شناختی جهت انجام پژوهش های مشابه.
- ناگفته پیداست، اجرای نتایج حاصل از این پژوهش تحولی اساسی در نظام برنامه ریزی آموزشی کشور در این بخش ها در پی خواهد داشت و از آنجا که :
- اولاً)** آموزش و تخصص متناسب و استفاده عقلانی از نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص، معادل توسعه درونزا و توسعه پایدار انسانی است.
- ثانیاً)** ایجاد تناسب بین آموزش ها و مشاغل به صورت تار و پودمانی، دارای اثربخشی و بهره وری معادل ۵۰ برابر هزینه ها برآورد می شود.
- ثالثاً)** خروج از دور باطل فقر، بیماری، بیکاری، نابرخورداری در پرتو آموزش متناسب با شغل میسر است. می توان ادعا کرد :
- ۱- در نظام فرهنگی جامعه روستایی و کشاورزی و وجهه نظرهای هنجاری، تغییرات و تحولات متناسب با شرایط مورد انتظار، برآورده خواهد شد.
  - ۲- در نظام اجتماعی جامعه ای روستایی و کشاورزی، هماهنگی و وفاق بر مبنای تقسیم کار ارگانیکی (که مشخصه اساسی کشورهای توسعه یافته است) و نیز تمایزات همنا، عرصه تداخل و اغتشاش و تقسیم کار مکانیکی را دگرگون می سازد.
  - ۳- در نظام سیاسی جامعه روستایی و کشاورزی، زمینه تشکیل نهادها و سازمان های غیردولتی و مدنی که ویژه جوامع پیشرفته است را فراهم می سازد.
  - ۴- در نظام اقتصادی جامعه روستایی و کشاورزی، عقلانیت نهادی شده و کنش منطقی یعنی بکارگیری صحیح و عقلانی امکانات و وسایل واقعی جهت رسیدن به اهداف عینی با کمترین هزینه و حداکثر بهره وری گسترش و ژرفش می یابد.
  - ۵- در ارتباط با نظام محیط طبیعی، پایدار اکولوژیکی نمود بیشتری خواهد یافت.
  - ۶- در نهایت، تغییر پویا در نظام بهره برداری سنتی، توسعه درون جوش را در پی خواهد داشت که نمونه بارز و نهایی چنین وضعیتی، کشور ژاپن است. این کشور به لحاظ گذشته تاریخی، توسعه و سطح پیشرفت، یک کشور منحصر به فرد و استثنایی در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه آغاز قرن بیستم است. یعنی در حالی که در قرن نوزدهم در زمره کشورهای توسعه نیافته بود، در قرن بیستم تبدیل به یک قطب توسعه گردید. این کشور به علت فقر شدید منابع طبیعی و مادی و شرایط طبیعی نامساعد، از کمترین مزیت های مادی توسعه برخوردار بود و آنچه موجب چنین وضعیت متحولی شد، تحول در نظام آموزش سنتی، تمرکز و تأکید نظری و عملی بر تربیت و به کارگیری متناسب نیروی انسانی بود. این رویکرد برنامه ای که در عصر امپراطوری "میجی" تحقق پذیرفت، در کمتر از نیم قرن (حدود دو نسل)



جامعه ژاپن را متحول ساخت و در دهه‌های بعد آن را به یکی از سه قطب مسلم توسعه جهان تبدیل کرد.

### ◀ روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش را در چهار مقوله زیر به صورت مختصر بیان می‌کنیم:

#### ۱- رویکردهای نظری و روشی

رویکردهای ملهم از تئوری‌های کنش<sup>۱</sup> نظریه‌های کارکردگرایانه<sup>۲</sup>، تئوری‌های توسعه پایدار انسانی<sup>۳</sup> و رویکردهای برنامه‌ریزی آموزشی به ویژه دو رویکرد عمده آموزشی یعنی: الف) آموزش و تربیت بر مبنای ویژگی‌های فکری و شخصیتی افراد یعنی آموزش طبیعی و بر مبنای طبیعت و استعداد و علایق فردی. ب) آموزش و تربیت بر مبنای ضرورت‌ها و نیازهای جامعه یعنی آموزش اجتماعی و در ارتباط با ضرورت‌ها و نیازهای جامعه.

به علاوه اینکه رویکردهای ملهم از تئوری‌های توسعه به دلیل (گزینه‌ای) در ابعاد تربیت نیروی انسانی<sup>۴</sup> و گذار از کشاورزی سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مبنای مذکور و همچنین نتایج حاصل از مرور منابع و آخرین یافته‌های در دسترس و موجود در مبنای نظری ارائه می‌گردند.

#### ۲- روش‌های تحقیق

الف - برحسب عمق و وسعت در زمره تحقیقات پهنانگر<sup>۵</sup> است.  
 ب - برحسب سطح تحقیق، در سطح کلان، مرحله دوم است.  
 ج - برحسب کارکرد، در زمره کاربردی (پژوهش کاربردی)<sup>۶</sup> است.  
 د - برحسب بینش پژوهشی نهایتاً در زمره تحقیقات کارکردگرایانه<sup>۷</sup> قرار می‌گیرد.

#### ۳- روش‌های گردآوری داده‌ها

روش‌های گردآوری داده‌ها اسنادی و پیمایشی است. از دو فن عمده یعنی مصاحبه ساختمانده و مشاهده منظم استفاده می‌شود. اطلاعات و داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، طرح‌های جامع آمارگیری، سرشماری عمومی صنعت و معدن، سرشماری کارگاه‌های صنعتی، سرشماری‌های کشاورزی و ... همچنین منابع موجود در وزارتخانه‌های جهاد سازندگی، کشاورزی، کار و امور اجتماعی، گردآوری و تجزیه و تحلیل گردآوری و آنگاه مشاغل و شاغلین تحلیل گردیده‌اند.

### ◀ جامعه آماری و نمونه آماری

#### الف) جامعه آماری

- |                                    |                           |
|------------------------------------|---------------------------|
| 1. Action theories                 | 5. Extensive Research     |
| 2. Functionalism theories          | 6. Marco level            |
| 3. Human - Sustainable theories    | 7. Applied Research       |
| 4. Alternative Development Thories | 8. Functionalist Research |

جامعه آماری شامل همه مشاغل روستایی و کشاورزی که تاکنون با استفاده از روش های اسنادی و پیمایشی شناسایی گردیده اند می باشد. مجموعه مشاغل روستایی و کشاورزی شناسایی شده در مقوله "مشاغل موجود" معادل ۲۲۲۴ مورد می باشند که به اضافه مشاغل پیشنهادی بالغ بر ۲۸۸۱ شغل روستایی و کشاورزی تاکنون شناسایی شده اند. توزیع فراوانی مشاغل بر حسب "بخش"، "زیربخش" و نیز "بر حسب نوع شغل" در گزارش پروژه، و سیصد کتابچه آورده شده است.

### ب) نمونه آماری

جهت تعیین حجم نمونه آماری، مراحل و اقدامات ذیل صورت گرفته است:

- ۱- تهیه سیاهه مشاغل در هر یک از بخش ها.
- ۲- استخراج مشاغل خصوصی و مشترک دولتی - خصوصی.
- ۳- بازنگری مجدد مشاغل مزبور و تهیه سیاهه نهائی.
- ۴- رتبه بندی و اولویت بندی مشاغل جهت بررسی تفصیلی براساس اعتبار صوری<sup>۲</sup> و اعتبار اسنادی.
- ۵- استخراج مشاغل نیازمند به برخورداری از استانداردهای آموزشی.
- ۶- تعیین حجم مشاغل مورد بررسی که معادل ۳۰۰ شغل می باشد.
- ۷- برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول.
- ۸- تعیین نمونه ها: تعداد نمونه ها با روش نمونه گیری تصادفی و خوشه ای و با سطح اطمینان ۹۵ درصد از بین روستاهای دارای سکنه و مکان ها و مزارع (۴۵۰۰۰ واحد) انتخاب می شوند.
- ۹- رویه های انتخاب نمونه ها: نمونه گیری تصادفی و خوشه ای
- ۱۰- حجم نمونه که بالغ بر ۱۸۵۰ واحد نمونه ای شده است.

### ◀ شیوه نمونه گیری

در این پروژه، نمونه گیری براساس مؤلفه های زیر صورت می پذیرد:

الف) جامعه آماری و مشخصان آن.

ب) نمونه های آرمانی<sup>۴</sup>.

ج) نمونه های نمایی<sup>۵</sup>.

د) سطح دقت احتمالی.

همان گونه که بیان شد، جامعه آماری دربرگیرنده تمامی مشاغل روستایی و کشاورزی که در پروژه شناسایی و طبقه بندی مشاغل روستایی و کشاورزی شناسایی و از طریق اعتبار صوری<sup>۲</sup>، از سوی کارشناسان و صاحب نظران مرتبط، به مثابه "شغل" تلقی و تعریف شده و اجماع نظری و توافق اجماعی در مورد آنها به وجود آمده می باشد بر این مبنا مشاغل شناسایی شده در پروژه شناسایی و طبقه بندی

مشاغل روستایی و کشاورزی، مجدداً مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته و پس از استخراج سیاهه نهایی مشاغل، کدبندی مجدد جهت نمونه گیری اعمال می شود.  
بدین ترتیب جامعه آماری مشخص و نمونه آماری<sup>۲</sup> و نیز واحد آماری<sup>۳</sup> معین و مشخص می گردد. در این پروژه، جامعه آماری کاملاً منطبق بر نمونه آماری؛ و پارامتر آماری نیز معادل شاخص های آماری است. نمونه های آماری به دو نوع (Type) زیر انتخاب می شوند.

### نمونه های آرمانی

تیپ های ایده آل یا نمونه های آرمانی نه حالتی انتزاعی و ذهنی و کاملاً کیفی دارند و نه منعکس کننده تام و تمام واقعیات عینی و برون از ذهن هستند بلکه به مثابه مفاهیمی تحلیلی<sup>۴</sup> از تجرید شو تعمیم حاصل می آیند. در این فرایند وجوه مشترک، مشهود و غالب نمونه ها استخراج و تجرید می گردد و آنگاه به تمام نمونه هایی که دارای آن ویژگی ها هستند و به موارد ممکن و مشابه تعمیم داده می شوند. در این پروژه، تجزیه مشاغل به اجزاء و فعالیت ها و کنش های معنی دار شغلی به طور دستیابی به اطلاعات پایه، تدوین استراتژی و استانداردهای آموزشی، در ساختار نمونه های آرمانی صورت می پذیرد، که بدین منظور از رویه های نمونه گیری هدفمند استفاده می شود.

### نمونه های نمایی

نمونه های نمایی در دو شکل عمده گونه بندی می شوند :

الف) گونه های منحصر به فرد و تفریدی

ب) گونه های رایج

در این پروژه، به منظور دستیابی به گونه های دارای فراوانی بالا و رایج از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله و نمونه گیری تصادفی ساده<sup>۵</sup> و نیز نمونه گیری منطبق<sup>۶</sup> استفاده می شود. اهداف پروژه و نیز رویه های نمونه گیری ایجاب می کند که به منظور یافتن ابعاد و اجزاء هر شغل و تیپ آرمانی آن، نمونه های آماری در مناطقی از کشور تعیین شوند که دارای مشاغل با تمایز یافتگی و ساختار پیشرفته تری هستند. به لحاظ نظری، هر شغل دارای چهار بعد زیر است :

کارکردها	هدفجویی	بعد اثباتی شغل (الف)	سازگاری
شغل	وفاق	ثبات الگویی	بعد شخصی شغل (ج)
			بعد فرهنگی (ب)
			بعد اجتماعی شغل (د)

1. Statistical Society
2. Statistical - Sample
3. Sample Unite

4. Analytical Concepts
5. Abstraction
6. Generalization

7. Multi-Phase Cluster Sampling
8. Simple random sampling
9. Stratified Sampling

در بعد اثباتی؛ موضوع شغل، فعالیت های شغلی، کیفیت شغل، روابط شغلی چهار وجه اساسی هستند. در بعد شخصیتی؛ شرایط کاری، ضمانت های اجرایی کار، هنجارهای شغل و تعهدات کاری، در بعد فرهنگی؛ غایت و فرجام شغل، ماهیت کار، الگوهای عمل شغل و ارزش شغل از وجود چهارگانه بوده و هر یک دارای ابعاد و اجزاء متعددی هستند. ویژگی های شغل و ماهیت و ابعاد آن و نیز اجزاء و درون ساختارهای آن و روابط متقابل آن، به مثابه عنصری از کل نظام اجتماعی، آن را در سطحی می نمایند که می توان براساس معیارهای زیر آن را به مثابه توسعه یافته یا نیافته تقسیم بندی نمود. آن معیارها عبارتند از:

الف) میزان تمایز یافتگی<sup>۱</sup> و میزان تداخل<sup>۲</sup> ابعاد و وظائف و اجزاء شغل.

ب) میزان اکتسابی بودن<sup>۳</sup> و میزان انتسابی بودن<sup>۴</sup> شغل برای شاغل.

ج) میزان عام گرایی<sup>۵</sup> و میزان خاص گرایی<sup>۶</sup> انتخاب شغل.

د) میزان فعال بودن<sup>۷</sup> و میزان انفعالی بودن<sup>۸</sup> شاغل در آن شغل.

هـ) میزان جهت گیری فردی<sup>۹</sup> و میزان جهت گیری<sup>۱۰</sup> جمعی شاغل در شغل.

و معیارهای بی نظیر ضابطه مندی، عقلانیت و ... بر این مبنا در کل کشور نیز برخی مشاغل در مناطقی توسعه یافته هستند، به عنوان مثال ماهی گیری در کناره های خزر و خلیج فارس و دریای عمان؛ کشت برنج در شمال و ... که در جای خود بدان ها پرداخته خواهد شد.

### ویژگی های کار و اشتغال در جامعه روستایی و بخش کشاورزی

جمعیت کشور از ۱۷/۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ با رشد سالانه معادل ۲/۹ درصد به ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده و جمعیت شاغل نیز از ۵/۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵، با رشدی معادل ۲/۳ درصد به ۱۴/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در همین ارتباط لازم به ذکر است که روند اشتغال نیز به سمت مشاغل دولتی و خدماتی بوده است. عدم تعادل دایم التزاید بین حجم و رشد جمعیت از یک سو و فرصت های شغلی در مناطق روستایی از سوی دیگر، وضعیت پیچیده تر و فزاینده ای که برخی از ویژگی های آن عبارت است از:

۱- افزایش رشد طبیعی به علت کاهش مرگ و میر و بهبود تغذیه و بهداشت و افزایش تقاضا در بازار کار به عرضه فرصت های شغلی.

۲- محدودیت منابع اشتغال (کشاورزی) و مازاد نسبی نیروی انسانی.

۳- ساخت جوان جامعه و عدم تمایل آنها به اشتغال در بخش کشاورزی.

۴- محدودیت در فرصت های آموزشی (هر ۳۰ سال یک بار فرصت آموزشی) برای شاغلین در بخش کشاورزی و جامعه روستایی، چهارمین مسأله اساسی مشاغل کشاورزی و روستایی

1. Specificity
2. Diffuseness
3. Specificity
4. Ascription
5. Universalism

6. Particularism
7. Affectivity
8. Affective Neutrality
9. Self-Orientation
10. Collectivity Orient

کشور هستند. ایران سومین کشور جهان از لحاظ ساخت سنی جوان جمعیت است، به طوری که در سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ که جمعیت کشور ۳/۲ برابر شده و جمعیت جوان (۱۵ تا ۲۴ ساله) ۴/۲ برابر گردیده و نسبت آن به کل جمعیت از ۱۵/۶ به ۲۰/۵ درصد افزایش یافته است. لازم به ذکر است که میانه سنی همواره کمتر از ۲۰ سال بوده است.

**جدول ۱- ویژگی های جمعیت کشور بر حسب تعداد، رشد، شاخص های اشتغال و بیکاری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵**

۲/۸		۷۰۳۷۰۰۰۰		۱۵۷۰۰۰		۵/۹۰۸۰۰۰۰		۱۸/۹۵۱/۷۰۴	۱۳۳۵
۹/۳	۲/۳	۷/۸۱۷/۰۰۰	۱۶/۴	۶۷۷/۰۰۰	۱/۹	۷/۱۱۷/۰۰۰	۳/۱	۲۵/۷۸۸/۷۲۲	۱۳۴۵
۱۰/۲	۲/۲	۹/۷۹۶/۰۰۰	۳/۲	۹۹۷/۰۰۰	۲/۱	۷/۸۹۹/۰۰۰	۷/۲	۳۳/۷۰۸/۷۴۴	۱۳۵۵
۱۴/۲	۲/۷	۱۲/۸۲۰/۰۰۰	۶/۲	۱/۱۹۰/۰۰۰	۲/۳	۱۹/۰۰۸/۰۰۰	۲/۹	۴۹/۴۴۵	۱۳۶۵
۹/۱	۲/۳	۱۶/۰۷۷/۲۳۳	۲/۲	۱/۱۵۵/۶۵۱	۲/۸	۱۴/۷۵۱/۵۷۲	۱/۹	۶۰/۰۵۵/۴۸۸	۱۳۷۵
-	۲/۵	-	۵/۷	-	۲/۳	-	-	-	۱۳۳۵-۷۵

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال، ۱۳۷۸

**جمعیت روستایی کشور**

جمعیت مناطق روستایی کشور از ۱۳۰۰۱۱۴۱ نفر (معادل ۶۸/۶ درصد جمعیت کشور) در سال ۱۳۳۵ به ۱۵۹۹۴۴۷۶ نفر در سال ۱۳۴۵، ۱۷۸۵۴۰۶۴ نفر در سال ۱۳۵۵ و ۲۲۳۴۹۳۵۱ نفر در سال ۱۳۶۵ بالغ گردید. براساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵ از جمعیت ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفری کشور، ۲۳۲۳۷۶۹۹ یعنی (۳۸/۷) درصد در روستاها ساکن بوده اند. متوسط جمعیت در نقاط روستایی (۶۸۱۲۲۲ آبادی) معادل ۳۳۸ نفر بوده و ۴۶ درصد آبادی ها، زیر ۱۰۰ نفر جمعیت داشته و شغل ۷۵ درصد آنان مستقیماً کشاورزی (اعم از زراعت، دامداری و ...) بوده است. برخی از ویژگی های عمده جمعیتی مناطق روستایی کشور در ارتباط با اشتغال عبارتند از:

الف) جوانی جمعیت روستایی (۷۰ درصد کمتر از ۳۰ سال و ۴۲/۶ درصد کمتر از ۱۵ سال).

ب) بالا بودن بار تکفل (از ۲۳ میلیون نفر ۵/۷ میلیون نفر شاغل هستند یعنی نسبت یک نفر شاغل به ۴ نفر سربار).

ج) افزایش سن شاغلین (نسبت شاغلین زیر ۳۰ سال ۴/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۲/۲ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته از طرف دیگر نسبت شاغلین ۵۰ سال از ۱۷/۳ به

۳۴/۶ درصد افزایش یافته در حالی که نسبت شاغلین ۵۰ ساله و بالاتر بخش صنایع و معادن ۱۰/۸ درصد بوده است.

### ساختار اشتغال در جامعه روستایی و بخش کشاورزی

همان گونه که در جدول (۲) نمایان است از کل شاغلین روستایی کشاورزی ۴۹/۸ درصد در بخش کشاورزی اشتغال داشته اند.

### جدول ۲- توزیع شاغلین روستایی در سال ۱۳۷۵

کشاورزی	۲۸۴۱۲۶۸	۴۹/۸
صنایع و معادن	۱۵۳۲۶۵۱	۲۶/۸
خدمات	۱۳۳۶۸۹۴	۲۳/۴
جمع کل	۵۷۱۰۸۱۳	۱۰۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۷

### روند رشد جمعیت و اشتغال در روستاها

جمعیت روستایی کشور با رشدی معادل ۷۴ درصد از ۱۳ میلیون در سال ۱۳۵۵، به ۲۳ میلیون در سال ۱۳۷۵ با رشد معادل ۰/۸ درصد افزایش یافت. در طول دوره ۴۰ سال مزبور، شمار شاغلین بخش کشاورزی از ۳/۲ میلیون نفر در سال ۳۵ به ۳/۳ هزار نفر افزون شد. شاغلین بخش کشاورزی در مناطق روستایی از ۳/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ با رشد منفی ۰-/۱ درصد به ۲/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. جمعیت فعال روستایی در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ با متوسط رشد سالانه معادل ۱ درصد، از ۴/۱ میلیون نفر به ۶/۳ نفر بالغ شده و جمعیت بیکار در جستجوی کار از ۷۳ هزار نفر با رشدی معادل ۵/۳ درصد به ۵۹۶ هزار نفر رسیده است.

برخی از دیگر ویژگی های ساختار اشتغال در جامعه روستایی و بخش کشاورزی عبارتند از:

الف) از مجموع ۵/۷۱ میلیون نفر شاغل ۱۰ ساله به بالای روستایی در سال ۱۳۷۵، نسبت شاغلین مرد ۸۶/۶ درصد و زن ۱۳/۴ درصد بوده اند.

ب) از شاغلین زن، ۵۱ درصد در بخش صنعت (صنایع درستی)، ۳۵ درصد در کشاورزی و ۱۴ درصد در خدمات مشغول بوده اند.

ج) از شاغلین مرد ۵۲ درصد در بخش کشاورزی، ۲۷/۸ درصد در بخش صنعت و ساختمان، ۸۱ درصد در بخش خصوصی، ۱۵/۸ درصد در بخش دولتی و ۳/۲ درصد در بخش تعاونی اشتغال داشته‌اند.

د) از شاغلین در بخش خصوصی، ۵۷ درصد کارکنان مستقل، ۱۴/۴ درصد کارکنان فامیلی بدون مرد، ۲۵/۵ درصد مزد و حقوق بگیر، ۳/۱ درصد کارفرما بوده‌اند.

ه) ۶۵/۷ درصد شاغلین روستایی با سواد، ۴۵/۲ درصد ابتدایی، (۲۴/۳۰) درصد راهنمایی، ۱۲ درصد متوسطه، ۳/۸ درصد عالی) و ۳۴/۳ درصد بی سواد بوده‌اند.

و) از مجموع شاغلین روستایی در بخش کشاورزی، (۴۷/۹) درصد بی سواد بوده‌اند. در مقابل در جامعه شهری ۱۳/۲ درصد شاغلین بی سواد بوده‌اند (در بخش صنعت ۱۹/۹ درصد و در بخش خدمات ۹/۶ درصد)

ز) عدم تفکیک و بی سوادی دو ویژگی عمده شاغلین بخش کشاورزی می‌باشد.

ح) عدم تفکیک شاغل از غیر شاغل و پیوستگی اشتغال با خانواده روستایی ویژگی عمده این بخش می‌باشد.

ط) نسبت شاغلین دارای تحصیلات عالی در بخش کشاورزی در مناطق روستایی ۰/۵ درصد در جامعه شهری ۴/۳ درصد و در بخش صنعت ۳/۸ درصد بوده است.

جدول ۳- توزیع جمعیت روستایی بر حسب حجم، رشد و شاخص‌های اشتغال در طول مقاطع ۱۳۲۵-۱۳۷۵

توزیع جمعیت روستایی بر حسب حجم، رشد و شاخص‌های اشتغال							سال
جمعیت	تعداد خانوار	تعداد مرد	تعداد زن	تعداد شاغل	نسبت شاغل به جمعیت	نسبت شاغل به خانوار	سال
۷۳۰۰۰	۸۵۹۷۰۰۰	۱۱۸۰۰۰	۳۱۰۸۰۰۰	۴۰۱۰۰۰۰۰	۱۳۰۰۱۱۴۱	۱۳۳۵	۱۳۳۵
۵۶۸۰۰۰	۱۰۲۵۳۰۰۰	۱۹۷۰۰۰	۳۱۸۳۰۰۰	۴۰۵۰۵۰۰۰	۲/۱	۱۵۹۹۴۴۷۶	۱۳۴۵
۷۷۴۰۰۰	۱۱۵۷۵۰۰۰	۲۳۱۰۰۰	۲۷۶۱۰۰۰	۴۰۶۸۸۰۰۰۰	۱/۱	۱۷۸۵۴۰۶۴	۱۳۵۵
۷۴۰۰۰۰	۱۴۴۳۸۰۰۰	۳۱۲۰۰۰	۲۸۷۹۰۰۰	۴۰۹۸۸۰۰۰۰	۲/۳	۲۲۳۹۳۵۱	۱۳۶۵
۵۹۶۰۰۰	۱۶۷۵۰۰۰	۵۰۹۰۰۰	۲۸۴۱۰۰۰	۵۰۷۱۱۰۰۰۰	۰/۳	۲۳۰۳۶۲۹۳	۱۳۷۵

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷

## جدول ۴ - توزیع شاغلین روستایی بر حسب گروه‌های عمده فعالیت در سال ۱۳۷۵

۴۹/۴	۲۸۲۰۰۰۰	کشاورزی، شکار و جنگلداری
۰/۴	۲۱۰۰۰	ماهیگیری
۰/۵	۲۹۰۰۰	استخراج معدن
۱۵/۱	۸۶۳۰۰۰	صنعت
۱۰/۷	۶۱۱۰۰۰	ساختمان
۰/۵	۲۸۰۰۰	آب و برق و گاز
۴/۶	۲۶۴۰۰۰	فروش و تعمیر
۰/۳	۱۵۰۰۰	هتل و رستوران
۴/۲	۲۴۸۰۰۰	حمل و نقل و ارتباطات
۰/۲	۱۰۰۰۰	واسطه‌گری مالی
۰/۳	۱۸۰۰۰	اجاره و کسب و کار
۷	۴۰۴۰۰۰	اداره امور عمومی دفاع و تأمین اجتماعی
۳	۱۷۳۰۰۰	آموزش
۰/۸	۴۸۰۰۰	بهداشت
۰/۷	۴۰۰۰۰	خدمات عمومی
۰/۶	۳۴۰۰۰	مستخدم خانوادگی
۰/۰۷	۴۰۰۰	دفتردار دولتی
۱/۴	۸۰۰۰۰	نامشخص
۱۰۰	۵۷۱۱۰۰۰	جمع کل

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۷

#### واحد‌های بهره برداری کشاورزی

ساخت نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی تحت تأثیر چهار درون‌نظام عمده یعنی:

۱- مالکیت و زمین‌داری

۲- مدیریت و سازمان‌کار

۳- تولید، توزیع و مبادله

۴- سرمایه‌تکنولوژی

تشریح و تبیین می‌شوند. این نظام‌ها که در پی اجرای اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، تنوع و تکثر بیشتری یافتند، عبارتند از:



- الف) واحدهای بهره‌برداری مکانیزه با اراضی بزرگ، تولید تجاری، تکنولوژی مدرن و نیروی کار دستمزدی.
- ب) واحدهای بهره‌برداری دهقانی با مساحت کم زمین، تولید معیشتی، تکنولوژی سنتی و نیروی کار خانوادگی.
- ج) واحدهای سهم‌بری بر اساس اصول مزارعه (بهره مالکانه) شده مزارعه شرعی.
- د) واحدهای بهره‌برداری اجاره‌ای.
- ه) شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و سهامی‌های زراعی.
- و) واحدهای کشت و صنعت.
- ز) واحدهای تعاونی کشاورزی، که از سال ۱۳۵۹ برای فارغ‌التحصیلان دبیرستانی رشته کشاورزی ایجاد شدند.
- ح) واحدهای بهره‌برداری مشاع.
- در جداول شماره ۵ و شماره ۶، توزیع فراوانی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و توزیع فراوانی مطلق و درصدی تعداد واحدها، بر حسب میزان هکتار زمین کشاورزی آورده شده است. همان‌گونه که در جداول مذکور ملاحظه می‌شود:
- الف) ۸۵ درصد از واحدهای بهره‌برداری (در سال ۱۳۷۲)، کمتر از ۱۰ هکتار زمین داشته‌اند که در کل ۳۷/۲ درصد اراضی کشاورزی در اختیار آنان بوده است، ۱۴ درصد بین ۱۰ تا ۵۰ هکتار، ۰/۷ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار، ۸/۴ درصد از اراضی کشاورزی را داشته‌اند. ۰/۳۰ درصد بالاتر از ۱۰۰ هکتار و معادل ۹ درصد از مساحت اراضی کشاورزی کشور را دارا بوده‌اند. مدیریت کارآفرین با بیش از ۵۰ هکتار و یک درصد واحدهای بهره‌برداری، سه میلیون هکتار اراضی کشاورزی (۱۷/۵ درصد کل اراضی) را دارا بوده است. از کل واحدهای بهره‌برداری که معادل ۲۸۰۸۵۳۰ مورد بوده‌اند، ۹۹/۲ درصد به صورت خصوصی (خانوادگی) فعالیت داشته‌اند که از این تعداد، ۸۷/۷ درصد (۱۵۹۸۳۵۸۲ هکتار) از اراضی کشاورزی در اختیارشان بوده است. متأسفانه در سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی در طول دو دهه گذشته، سهم بسیار ناچیزی به نظام‌های بهره‌برداری خانوادگی روستایی اختصاص یافته است.

جدول ۵ - نظام های بهره برداری کشاورزی کشور در سال ۱۳۷۵

۳۱۰۳۱۹۴	۱۰۹۸۳۵۸۲	۲۷۸۳۸۹۰	۱- بهره بردار خصوصی
۵۸	۲۷۱۲۴	۶	۲- شرکت سهامی زراعی
۱۰۶۴	۱۳۷۹۳۴۲	۶۵۰	۳- شرکت تعاونی تولید روستایی
-	۱۰۶۰۰۸	۷	۴- کشت و صنعت دولتی
۱۱۸۹۴۵	۷۰۰۹۴۴	۱۵۴۷۵	۵- تعاونی مشاع
۷۴۱۶۱	-	۵۵۰۲	۶- تعاونی کشاورزی
۳۳۰۰۰۰۰	۱۸۲۱۷۰۰۰	۲۸۰۸۵۳۰	جمع کل

منبع: کشاورزی ایران در یک نگاه، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، دکتر زاهدی

جدول ۶ - توزیع واحدی بهره برداری بر حسب حجم و میزان زمین زراعی در اختیار

۳۷/۲	۵۷۵۳۵۴۰	۸۵	۲۳۸۲۶۲۰	کمتر از ۱۰ هکتار
۲۳	۳۵۴۷۷۲۰	۱۰	۲۷۳۹۴۰	۱۰ تا ۲۰ هکتار
۲۲/۳	۳۴۴۹۲۳۰	۴	۱۲۴۴۲۰	۲۰ تا ۵۰ هکتار
۸/۴	۱۳۰۰۵۵۰	۰/۷	۲۰۶۵۰	۵۰ تا ۱۰۰ هکتار
۴/۲	۶۳۸۶۵۰	۰/۲	۵۱۶۰	۱۰۰ تا ۲۰۰ هکتار
۴/۸	۷۶۹۲۱۰	۰/۱	۱۷۱۰	۲۰۰ هکتار
	۱۵۴۵۸۹۱۰	۱۰۰	۲۸۰۸۵۲۰	جمع کل

منبع: سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۷۲

وضعیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

در دو دهه گذشته ۲۵ درصد از محصول ناخالص داخلی (GDP) از بخش کشاورزی بوده در حالی که تشکیل سرمایه ناخالص (سرمایه گذاری) هیچگونه تناسبی با ارزش افزوده تولید شده آن نداشته است.

پایین بودن سطح سرمایه گذاری نسبت به ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی از دیگر ویژگی های سرمایه گذاری در این بخش است. در حالی که براساس برآوردها، در فعالیت های تولیدی، بیشترین میزان اشتغال زایی - به ازای هر یک میلیارد ریال افزایش در تقاضای نهایی - به زراعت (۸۴۴ شغل) اختصاص دارد. روند سرمایه گذاری در

بخش کشاورزی در طول دو دهه گذشته به نسبت بخش های صنعت و خدمات، حالتی نزولی و منفی داشته است. تسهیلات بانک کشاورزی در سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ معادل ۱۴۸۲۶۶ میلیون ریال و کل سرمایه گذاری معادل ۲۵۵۷۲۸۷ میلیون ریال (۲۵/۵ میلیارد تومان) بوده است. و در اثر آن ۳۶۶۵ هزار شغل ایجاد شده است (۷ میلیون تومان برای هر شغل). درصد بسیار ناچیز میزان سرمایه گذاری نسبت به سهم بخش کشاورزی در محصول ناخالص داخلی از یک طرف و جهت گیری سرمایه گذاری در راستای واحدهای بهره برداری بالای ۵۰ هکتار و فراموش شدن نسبی ۸۵ درصد از واحدهای بهره برداری (کمتر از ۱۰ هکتار) از عوامل مؤثر بر تشدید وابستگی بیش از پیش تأمین مواد غذایی کشور به خارج شده است.

### جدول ۷- بررسی طرح های اعتباری و هدایت سرمایه گذاری بانک کشاورزی به تفکیک زیربخش های کشاورزی

مبلغ به میلیون ریال

۱۰۸/۲۹	۱۵	۵۴۹	۵۷	۳۴۱۶۸	۲۳	۵۹۴۵۵	۲۸/۵	۲۰	۱- صنایع وابسته به کشاورزی
۱۳۷/۵۱	۱۳	۴۷۸	۶۷	۴۴۴۵۴	۳۶	۶۶۳۱۲	۲۱/۴	۱۵	۲- آبیاری نحت، نشار و صنایع وابسته
۳۷/۱	۲	۷۶	۷۴	۲۱۰۰	۱	۲۸۲۰	۲/۸	۲	۳- پرورش آبزیان، صید و صیادی
۱۵۱/۶۰	۹	۳۲۸	۵۵	۲۷۳۴۲	۱۹/۵	۴۹۷۳۵	۲۴/۳	۱۷	۴- پرورش طیور
۱۳۷/۴۸	۵	۱۹۱	۵۹	۱۴۳۵۰	۹/۵	۲۴۱۵۸	۸/۶	۶	۵- دامپروری
۲۴/۲۲	۵۴	۲۰۰	۴۵	۲۲۱۵۱	۱۹	۴۸۵۲۲	۱۰	۷	۶- زراعت و باغداری
۱۰۹/۷۸	۱	۴۰	۸۴	۳۷۰۰	۲	۴۳۵۵	۴/۴	۳	۷- خدمات کشاورزی
۶۹/۶۵	۱۰۰	۳۶۱۵	۵۸۰	۱۴۸۳۶۶	۱۰۰	۲۵۵۲۸۷	۱۰۰	۷۰	جمع کل

منبع: بانک کشاورزی در مسیر تحول، عملکرد بانک کشاورزی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷

همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می شود، متوسط سرمایه گذاری به ازای هر شغل ایجاد شده در طرح های زراعت و باغداری معادل ۲۴/۲۲ میلیون ریال و در مقایسه با سایر زیربخش های فوق کمترین میزان بوده و فقط با ۱۹ درصد سرمایه گذاری استفاده از ۴۵ درصد تسهیلات بانکی، نسبت درصد مشاغل ایجاد شده در ارتباط با سایر زیربخش ها معادل ۵۵ درصد بوده است. در مقابل و مقایسه با طرح های زیربخش طیور، متوسط سرمایه گذاری به ازای هر شغل ایجاد شده معادل ۱۵۱/۶۰ میلیون ریال و سهم توزیع نسبی ۱۹/۵ درصدی سرمایه گذاری (تقریباً معادل سرمایه گذاری در زراعت و باغداری) بوده که فقط ۹ درصد از مشاغل ایجاد شده را شامل شده است.

### نتیجه گیری

در پژوهشی که این مقاله بخشی از آن است، ویژگی های مشاغلی که در آنالیز و تدوین و استاندارددهای شغلی، از اهمیت کارکردی برخوردارند، به دست آمد. عمده ترین این ویژگی ها عبارتند از:

۱- رشد بسیار ناچیز جمعیت شاغلین جامعه روستایی در طول چهار دهه اخیر جمعیت شاغلین جامعه روستایی از ۴/۱۰۰/۰۰۰ نفر با نرخ رشدی معادل ۸ هزارم به ۵/۷۱۷/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این روند:

اولاً) در مقایسه با نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی کشور که متوسط حدود ۳ درصد و نیز نرخ رشد مطلق (با احتساب میزان خالص مهاجرت که حدود ۱/۶ درصد بوده) که معادل ۷۴ درصد بوده است، کمتر از نصف می باشد.

ثانیاً) در مقایسه با نرخ سالانه رشد جمعیت شاغل کشور که در طول چهار دهه اخیر با نرخ متوسط ۲/۳ درصد از ۵۹۰۸۰۰۰ نفر به ۱۴۵۷۱۵۷۲ رسیده است، معادل آن بوده است.

### ۲- روند نزولی تعداد شاغلین روستایی بخش کشاورزی

در طول چهار دهه اخیر، تعداد شاغلین روستایی بخش کشاورزی از ۳۱۰۸۰۰۰ نفر به ۲۸۴۱۰۰۰ نفر تنزل یافته و علیرغم افزایش حجم و رشد جمعیت روستایی و همچنین افزایش حجم و رشد جمعیت شاغل کشور، ۲۶۷۰۰۰ نفر کمتر شده است.

### ۳- روند افزایش تعداد و نرخ رشد شاغلین شهری بخش کشاورزی

تعداد شاغلین شهری بخش کشاورزی از ۱۱۸۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ با نرخ رشد سالانه معادل ۳/۷۲ درصد به ۵۰۹۰۰۰ در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته، یعنی ۴/۳ برابر شده است.

### ۴- افزایش جمعیت بیکار روستایی

جمعیت بیکار (بیکار در جستجوی کار) روستایی از ۷۳۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ با میزان متوسط رشد سالانه معادل ۵/۳۹ درصد به ۵۹۶۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده یعنی ۸/۱۶ برابر شده است.

۴۱۰۰۰۰۰ نفر یعنی معادل ۶۹ درصد در جامعه روستایی کشور شاغل بودند. این نسبت دارای روند نزولی در طی چهار دهه اخیر بوده، به طوری که در سال ۱۳۷۵ این نسبت به کمتر از ۴۰ درصد رسیده است.

۵- عدم تعادل دائمی التزاید بین میزان های رشد جمعیت کشور، رشد جمعیت روستایی و رشد جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر با میزان های رشد جمعیت شاغلین، رشد شاغلین جامعه روستایی و رشد شاغلین روستایی بخش کشاورزی

به عنوان مثال، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور در طول سال های (۱۳۳۵-۱۳۷۵) معادل ۳/۹ درصد بوده، ولی متوسط نرخ رشد جمعیت شاغل در طول این مدت ۲/۳ درصد محاسبه شده است، و این یکی از شاخص های معروف عدم تعادل و تناسب بین رشد جمعیت کشور و میزان ایجاد فرصت های شغلی است.

## جدول ۸ - توزیع جمعیت کل روستایی شاغل در مقاطع (۱۳۳۵ - ۱۳۷۵)

سال	کشور	روستایی	شاغل	روستایی	شاغل	متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۳۰۰۱۱۴۱	۵۹۰۸۰۰۰	۴/۱۰۰/۰۰۰	۳۱۰۰۸۰۰۰	۷۳۰۰۰
۱۳۴۵	۲۵۸۸۸۷۲۲	۱۵۹۹۴۳۷۶	۷۱۱۶۰۰۰	۴۵۰۵۰۰۰	۳۱۸۳۰۰۰	۵۶۸۰۰۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۷۸۵۴۰۶۴	۷۸۹۹۰۰۰	۴۶۸۷۰۰۰	۲۷۶۱۰۰۰	۷۷۴۰۰۰
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۲۳۳۹۳۵۱	۱۱۰۰۲۰۰۰	۴۹۸۸۰۰۰	۲۸۷۹۰۰۰	۷۴۰۰۰۰
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲۳۰۳۶۲۹۳	۱۴۵۷۱۵۷۲	۵۷۱۱۰۰۰	۲۸۴۱۰۰۰	۵۹۶۰۰۰
	۲/۹	۱/۴	۲/۳	-۱/۸	-۰/۹	۵/۳۹

منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق

همچنین علیرغم میزان بالای مهاجر فرصتی روستاهای کشور و متوسط نرخ رشد سالانه مطلق جمعیت یعنی معادل ۷/۴ درصد، نرخ رشد شاغلین روستایی حدود ۰/۸ درصد بوده است. وجود ۷۸۱۹۷۰۰۰ نفر بیکار در جستجوی کار در جامعه روستایی در سال ۱۳۶۵ و ۵۹۶۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ نشانه‌هایی از این عدم تعادل و تناسب می‌باشد.

۶- محدودیت منابع اشتغال در بخش کشاورزی به علت عدم سرمایه‌گذاری متناسب و وجود مازاد نسبی نیروی انسانی آن

در طول سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، تعداد شاغلین بخش کشاورزی از ۳۲۲۶۰۰۰ نفر به ۳۳۵۰۰۰۰ افزایش یافته و فقط ۱۲۴۰۰۰ نفر به شاغلین به بخش کشاورزی افزوده شده است. جالب توجه اینکه این افزایش ناشی از رشد شاغلین بخش کشاورزی در جامعه شهری بوده و در جامعه روستایی روند چهل ساله آن، نزولی بوده است.

## ۷- بالا بودن میانگین سنی شاغلین در بخش کشاورزی و جامعه روستایی

سالخوردگی شاغلین بخش کشاورزی و جامعه روستایی و روند فرایند آن یکی از ویژگی‌های عمده اشتغال در جامعه روستایی و بخش کشاورزی است.

این در شرایطی است که ساخت سنی جمعیت کشور جوان بوده و بیش از ۷۰ درصد جمعیت در سنین زیر ۳۰ سال قرار دارند. ایران از این لحاظ سومین کشور جهان است. از طرف دیگر روند فزاینده جوانی جمعیت در طول ۴۰ سال اخیر یکی از ویژگی‌های جمعیتی کشور بوده است، به عنوان مثال در حالی که جمعیت کشور در طول چهل سال (۱۳۳۵-۷۵)، حدود ۳/۲ برابر شده است. جمعیت جوان (۱۵-۲۴) ساله ۴/۲ برابر گردیده و نسبت آن از کل جمعیت از ۱۵/۶ درصد به ۲۰/۵ درصد افزایش یافته است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ بیش از ۴۲/۵ درصد از جمعیت ساکن در مناطق روستایی کشور در سنین کمتر از ۱۵ سال واقع بوده‌اند. همچنین از کل جمعیت روستایی کشور طبق آخرین آمار: ۷/۷ درصد سن ۳۰ سال،

۱۷/۲ درصد بین ۳۰/۴۹ سال، ۱۲/۱ درصد بالای ۵۰ سال، قرار داشتند و این در حالی است که نسبت شاغلین بخش کشاورزی در هر یک از گروه های سنی فوق به ترتیب معادل ۳۲/۲ درصد، ۳۳/۲ درصد و ۳۳/۶ درصد بوده و نسبت شاغلین جوان (زیر ۳۰ سال) از ۴۷۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۲/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش و نسبت شاغلین سالخورده (۵۰ سال و بیشتر) از ۱۷/۳ درصد به ۳۴/۶ درصد افزایش یافته و دوبرابر شده است. در جدول (شماره ۹) نسبت شاغلین در بخش کشاورزی در سرشماری های عمومی و نیز توزیع سنی جمعیت روستایی کشور بر حسب گروه های عمده سنی آورده شده است.

### جدول ۹- توزیع سنی شاغلین بخش کشاورزی در طول چهار سرشماری گذشته

سرشماری سنی	۱۳۴۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	تغییرات	نسبت روستایی	۱۳۷۵
زیر ۳۰ سال	۴۱/۳	۳۵/۳	۳۱/۷	۳۲/۲	-۹/۱	۷۰/۷
۳۰-۴۹	۴۱/۴	۳۸/۴	۳۲/۵	۳۲/۲	-۸/۲	۱۷/۲
۵۰ سال بیشتر	۱۷/۳	۲۶/۳	۳۵/۸	۳۴/۶	۱۷/۳	۱۲/۱
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه های آماری کشور

علاوه بر اینکه، نسبت شاغلین ۵۰ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی در مقایسه با دو بخش عمده دیگر یعنی صنعت و خدمات، بسیار بالاتر است، به عبارت دیگر سالخورده گی شاغلین بخش کشاورزی به مراتب نمایانی بالاتر از سایر بخش هاست. به عنوان مثال، براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ و همان گونه که در جدول (شماره ۹) ملاحظه می شود، نسبت شاغلین ۵۰ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی معادل ۳۴/۶ درصد بوده است. حال آنکه این نسبت در بخش صنایع و خدمات معادل ۱۰/۸ درصد بوده است. این وضعیت به خوبی نمایانگر محدودیت فرصت های شغلی در این بخش و پایین بودن جذابیت آن در نزد نوجوانان و جوانان روستایی است.

### ۸ - پایین بودن سواد و تخصص

بخش عمده ای از جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و جامعه روستایی بی سواد و کم سواد هستند که براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ از مجموع شاغلین نقاط روستایی:

۳ - ۳۴/۳ درصد و از مجموع شاغلان در بخش کشاورزی

۹ - ۴۷/۴ درصد فاقد سواد خواندن و نوشتن بوده اند.

حال آنکه این نسبت:

- در جامعه شهری ۱۳/۲ درصد،
  - در بخش صنعت ۱۹/۹ درصد،
  - و در بخش خدمات ۹/۶ درصد بوده است.
  - بالا بودن میزان بی سوادی در بین شاغلین جامعه روستایی در مقایسه با میزان بی سوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر روستایی
  - بالا بودن نسبت بی سوادان شاغلان بخش کشاورزی در مقایسه با جامعه روستایی،
  - بالا بودن میزان بی سوادی در بین شاغلان بخش کشاورزی و جامعه روستایی در مقایسه با جامعه شهری و بخش های صنعت و خدمات.
- معرف یافت سنتی و سالخورده شاغلین جامعه روستایی به ویژه بخش کشاورزی است. دو عامل فوق یعنی سالخوردگی شاغلین بخش کشاورزی و جامعه روستایی و نیز بالا بودن میزان بی سوادی آنها، تأثیرات عمده ای در پذیرش تغییرات و اشاعه نوآوری ها و نیز کارایی و اثربخشی برنامه های آموزشی و ترویجی داشته و می باید در تدوین استانداردهای آموزشی مشاغل روستایی و کشاورزی به مثابه متغیرهای محدود یا مشروط مطرح نظر واقع شوند. همچنین نسبت شاغلین دارای تحصیلات عالی به کل شاغلان بخش کشاورزی و جامعه روستایی بسیار ناچیز بوده و به مراتب نمایانی کمتر از جامعه شهری و بخش صنعت و خدمات است. برای مثال براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ این نسبت در جامعه روستایی معادل ۲/۵ درصد و در بخش کشاورزی معادل ۰/۵ درصد بوده است. یعنی از هر هزار نفر شاغل در جامعه روستایی، ۲۵ نفر و از هر هزار نفر شاغل در بخش کشاورزی، ۵ نفر دارای تحصیلات عالی بوده اند، در مقابل، این نسبت در جامعه شهری، ۱۴۳ در هزار و در بخش صنعت ۳۸ در هزار بوده است.

#### ۹- بالا بودن اهمیت و برتری نسبی سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

براساس شاخص ICOR یعنی نسبت افزایش سرمایه به افزایش تولید یا نسبت ارزش افزوده سرمایه گذاری (Incremental capital out put Ratio) بخش کشاورزی در مقایسه با بخش های صنعت و خدمات از مزیت و برتری بالایی برخوردار است. به عنوان مثال این نسبت در بخش کشاورزی در سال های ۷۶-۷۱ معادل ۶۶ درصد و در سال های ۷۳-۶۹ معادل ۶۵ درصد بوده در حالی که این نسبت در این دوره در بخش صنعت و معدن معادل ۲/۴۵ و در کل بخش های اقتصادی معادل ۲/۳۲ درصد بوده است. این شاخص نشان می دهد که ارزش افزوده ایجاد شده در بخش کشاورزی به ازای هر یک ریال سرمایه گذاری ۳/۸ برابر بخش صنعت و معدن بوده است.

#### ۱۰- بالا بودن توان اشتغال زایی بخش کشاورزی

براساس مطالعات و محاسبات انجام شده، هر یک میلیارد ریال صادرات به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ حدود ۳۷۶ نفر شغل ایجاد می کند. این وضعیت اشتغال زایی در بخش کشاورزی به مراتب بالاتر از دیگر بخش های اقتصادی است. به عنوان مثال نتیجه حاصل از بررسی میزان

کاربردی و سنجش توان اشتغال زایی بخش های مختلف اقتصادی کشور نمایانگر آن است که در فعالیت های تولیدی، بیشترین اشتغال زایی به ازای هر یک میلیارد ریال افزایش در تقاضای نهایی به "زراعت" (با توان اشتغال زایی ۸۸۴ نفر شغل) اختصاص دارد.

**۱۱- پایین بودن سرمایه گذاری در این بخش به نسبت سهم آن در تولید ناخالص ملی و توان اشتغال زایی آن**

جهت گیری مسأله ای سرمایه گذاری معطوف به کشاورزان دارای ۵۰ هکتار و بالاتر، که نسبت ناچیزی از شاغلان بخش کشاورزی را دربرمی گیرند و در راستای صنایع تکنولوژی بر بجای کاربر. وجود غالب تقسیم کار مکانیکی و مبتنی بر سن و جنس در مقایسه با مشاغل صنعتی و خدماتی که تقسیم کار ارگانیکی و مبتنی بر تخصص از ویژگی های نمایی آنهاست.

#### ۱۲- سازمان اجتماعی کار سنتی

بدان گونه که "ماکس وبر" جامعه شناس معروف آلمانی بیان داشته است، یکی از ویژگی های عمده دنیای کسب و کار در جامعه مدرن، سازمان عقلایی کار است ولی در جامعه روستایی و در بخش کشاورزی، در چند شکل ها و هیجان ها و دیگر یاری ها و تعاونی های سنتی در سازماندهی بخش های عمده ای از نیروی کار شاغل نقش اساسی دارند، لیکن سازمان عقلانی کار در قاموس "وبر" عمومیت چندانی ندارد.

#### ۱۳- تداخل محل کار و محل زندگی

برخلاف مشاغل در دنیای مدرن که کارکرد نقشی و تمایزات ساختی از ویژگی های آنها می باشد. در مشاغل روستایی و کشاورزی، پیوستگی محل کار و محل زندگی و تعدد و تداخل نقش ها و درهم آمیختگی کنش های کاری با کنش های ارزشی و سنتی و مناسک و آیین ها و رسوم از خصوصیات آنهاست.

**۱۴- سنت گرایی در مقابل عقلانیت و به ویژه عقلانیت نهادینه شده که حداکثر سود با حداقل هزینه ها از ویژگی بارز آن است، در مشاغل روستایی و کشاورزی وجوه عاطفی و احساسی و سنتی بر ابعاد عقلانی و به ویژه عقلانیت ابزاری تفوق داشته و یکی از عوامل باقی ماندن استانداردهای زندگی در سطح معیشتی ناشی از آن است.**

#### ۱۵- تفوق انتساب بر اکتساب در تصدی مشاغل روستایی و کشاورزی

در جامعه مدرن صنعتی ویژگی های فرد خاصه تحصیلات و تخصص و دیگر خصوصیات اکتسابی از شرایط تعیین کننده احراز شغل هستند. در مقابل در مشاغل روستایی و کشاورزی خصوصیات انتسابی و شرایط برون از فرد، مانند نسبت، ثروت، مالکیت، خانوادگی، نقش تعیین کننده ای در احراز مشاغل دارند.

#### ۱۶- تحرک اجتماعی محدود

از خصوصیات عمده دنیای کسب و کار در جهان مدرن، تحرک اجتماعی بالا و صعود یا سقوط پایگاه اجتماعی به اقتصادی سطح تحصیلات، تخصص و دیگر شایستگی های اکتسابی افراد و به تبع آنها میزان درآمد و مرتبه شغلی آنهاست. در مقابل در مشاغل کشاورزی



و روستایی تحرک اجتماعی بسیار محدود و نادر است.

#### ۱۷ - ریسک‌پذیری پایین

در مشاغل صنعتی و مدرن، یکی از ویژگی‌های بارز و متمایز همانا توان و سطح خطرپذیری شاغلین است. در مشاغل روستایی و کشاورزی امکانات و وسایل و دارایی‌ها و درآمدها عمدتاً در دسترس فیزیکی صاحبان و شاغلان آنها قرار داشته، زمین کشاورزی در نزدیکی محل زندگی بوده، و دارایی‌ها (دام و طیور، صنایع دستی)، امکانات و وسایل در قرابت فیزیکی افراد قرار دارند. در حالی که در دنیای مدرن، دارایی‌ها از افراد جدا و به بانک‌ها سپرده شده و مشاغل افراد با انواع احتمال خطر همراه است. البته در جامعه روستایی خود خطرهای طبیعی (سیل، زلزله و ...) مهم بوده ولی در جامعه مدرن احتمال خطر (احتمال خطر سقوط هواپیما، دستکاری حساب‌های بانکی) و ..... مهم می‌باشند. ریسک‌پذیری از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان عامل اساسی پیشرفت و ارتقاء پایگاه اجتماعی بوده و یکی از علل عقب‌ماندگی جوامع روستایی و کشاورزی را سطح پایین ریسک‌پذیری شاغلین آنها می‌دانند.

#### ۱۸ - خاص‌گرایی و محلی‌گرایی

کنش‌های اجتماعی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های بومی و محلی و فرهنگی خاص محل زندگی از ویژگی‌های شاغلین جامعه روستایی و بخش کشاورزی است. هر چند در مورد تأثیرات خاص‌گرایی و محلی‌گرایی بر تغییرات اجتماعی و پیشرفت در سطح اجتماعی و تحرک و ارتقاء پایگاه اجتماعی در سطح فردی و خانوادگی نظرات متفاوت و متعارضی وجود دارد. برخی از جامعه‌شناسان از جمله "پارسونز" عام‌گرایی را ویژگی عمده کسب و کار در جهان صنعتی مدرن معرفی می‌کند، لیکن بر این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که چنانچه خاص‌گرایی‌ها و محلی‌گرایی‌های بومی و فرهنگی مانع پذیرش نوآوری‌ها، فن‌آوری‌ها، کسب ارزش‌های نوین و باعث عدم ظهور و بسط نیاز به پیشرفت شوند، مشروط‌کننده توسعه و ارتقاء استانداردهای زندگی اجتماعی هستند.

#### ۱۹ - وابستگی جغرافیایی (اقلیمی)

مشاغل روستایی و به ویژه کشاورزی تابعی از شرایط اقلیمی و آب و هوایی هستند و تغییرات جوی به شدت بر کم و کیف اشتغال و زندگی شاغلین تأثیر می‌گذارد. در مقابل در جامعه صنعتی مدرن معمولاً مشاغل کمتر وابسته به عوامل جغرافیایی هستند.

#### ۲۰ - سادگی ابزار و فنون مورد استفاده

در سازمان‌های نوین کار و مشاغل مدرن، استفاده از وسایل و فن‌آوری‌های پیشرفته و بسیار پیشرفته روزه‌به‌روز بیشتر و گسترده‌تر می‌شود در برابر آن، مشاغل کشاورزی و روستایی استفاده از ابزارها و امکانات سنتی هنوز هم وجود داشته و از آنجا که تکنولوژی بومی و متناسب با شروط وضعیت در کشور عمومیت نیافته است (به عنوان مثال در کشور ژاپن که مساحت مزارع برنج حتی به کمتر از هزار متر محدود می‌شوند، تکنولوژی متناسب با آن نیز

ابداع و اشاعه یافته است) شاغلان بخش کشاورزی و جامعه روستایی، به ناچار از فن آوری ها و وسایل تأخیری استفاده می کنند.

## ۲۱ - پایین بودن میزان فرصت های آموزشی و ترویجی برای شاغلین بخش کشاورزی و جامعه روستایی به ویژه آموزش و بازآموزی و خاصه آموزش پودمانی

در سازمان های عقلایی کار، عمده ترین جهت گیری مدیریت منابع انسانی در ارتقاء بهره وری نیروی انسانی بوده، ولی در ایران علیرغم اهمیت فوق العاده آن، سازمان ها، امکانات و وسایل آموزشی و کمک آموزشی به حدی محدود هستند که هر شاغل بخش کشاورزی و روستایی در طول ۳۰ سال فقط یک بار امکان برخورداری از آموزش های مرتبط با شغل خود را پیدا می کند، و طبیعی است در جهان متحول کنونی که عمر فن آوری ها حتی از ۵ سال کمتر است، این وضعیت زیان های جبران ناپذیری در پی داشته باشد.

## ۲۲ - عدم تمایز مشاغل، وظایف، پاره وظایف، عملیات و مهارت در فعالیت های کاری بخش کشاورزی و روستایی

در سازمان های نوین، با استفاده از روش ها و شیوه های معتبری نظر آنالیز شغل، مشاغل طراحی می شوند و حدود و ثغور هر یک از مشاغل، عنوان هر شغل، وظایف و پاره وظایف و عملیات و مهارت های آن، شرایط و وضعیت های انجام آن، ابزارها و امکانات مورد استفاده در آن، جایگاه آن در سلسله مراتب شغلی، و شرایط احراز آن به گونه ای مستمر و نوبه نو شوند و نظام یافته، معین و مشخص می شود. ولی در مورد مشاغل روستایی و کشاورزی چنین فراگردی تاکنون عملی نگردیده است و به همین علت، یکی از مراحل بنیانی پژوهش در طرح مزبور و پروژه های وابسته به آن، شناسایی و آنالیز مشاغل است و همان گونه که در مجلد روش شناسی به تفصیل بیان می گردد، در این زمینه نمی توان از روش ها و شیوه های کلاسیک و خاص سازمان های نوین، بدون انطباق آن با شرایط وضعیتی و ساختی مشاغل روستایی و کشاورزی، استفاده نمود و برای این مهم از لحاظ روش شناسی، روش طبیعت انگارانه بلومر و رویه های "تئوری زمینه ای"، الهام بخش انجام پژوهش است.

## ۲۳ - تعدد و تداخل مشاغل و اجزاء هر شغل در مناطق مختلف کشور

ماهیت و ابعاد و اجزاء یک شغل معین در مناطق مختلف کشور دارای جنبه های اختصاصی ویژه ای است که با مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، باورها، وجهه نظرها، مراسم و سلوک اجتماعی آمیخته است. این مهم نیز یکی دیگر از جوانب منحصر به فرد مشاغل روستایی و کشاورزی در مقایسه با مشاغل سازمان های نوین است و به همین علت نمونه گیری باید هم بر اساس نمونه های نمایی و هم بر اساس نمونه های آرمانی صورت گیرد.

ویژگی های دیگری نظیر تداخل کنش کاری با کنش های غیرمنطقی در قاموس پارتویی، تداخل کنش کار با کنش معطوف به ارزش، انجام کار به عنوان تکلیف الهی (Calling) در قاموس "ماکس وبر" تداخل کار و اوقات فراغت، مقاومت در مقابل تغییرات غیر محدود، تقدیر گرایی و سرنوشت گرایی، ترجیح منافع آتی بر آتی، عدم اعتماد در روابط

کاری، فقدان همدلی، پایین بودن عقل معاش و ذهن حسابگر، انتظارات بیش از حد دولت، اهمیت ندادن به عامل زمان و .... از خصوصیات مشاغل روستایی و کشاورزی و شاغلان آنها ذکر نموده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

- ۱- ابن خلدون، ع. مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، جلد دوم.
- ۲- آرون، ر. مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام (۱۳۶۳). تهران، سازمان سمت، صص (۲۶۴-۲۷۹).
- ۳- ویر، م، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری.
- ۴- توسلی، غ ع (۱۳۷۵). جامعه شناسی کار و شغل، تهران، سازمان سمت، ص ۹۷.
- ۵- معین، م. فرهنگ فارسی، جلد سوم.
- ۶- هرسی، پ و بلانچارد، ک. مدیریت رفتار سازمانی. ترجمه علی علاقه بند، تهران، چاپخانه سپهر.
- ۷- روزه، گ. تالکوت، پ. جامعه شناسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران - مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی تبیان.
- ۸- چلبی، م (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی، صص (۲۶۲-۸۳).
- ۹- ابطحی، س. ح و مهرورژان، آ (۱۳۷۲). طبقه بندی و ارزشیابی مشاغل، تهران، انتشارات صبا، ص ۶۹.
- ۱۰- جزنی، ن (۱۳۷۵). مدیریت منابع انسانی، تهران، نشر نی، ص ۷۵.
- ۱۱- شکوهی، غ ح، (۱۳۷۵). اصول و مبانی آموزش و پرورش، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، صص ۷۵-۹۸.
- ۱۲- علاقه بند، ع، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر نوشتار یکم، ص ۴۵.
- ۱۳- مرسل، ا، پودمان چیست و آموزش پودمان کدام است، مجله آموزش هماهنگ، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، شماره ۲۴.
- ۱۴- آموزش مدولار، بحثی در چگونگی مدوله کردن مهارت های مشاغل، طرح آموزش هماهنگ، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، شماره ۱۱.
- ۱۵- آموزش مدولار، بحثی در چگونگی مدوله کردن مهارت های مشاغل، طرح آموزش هماهنگ، شماره ۱۳، ص ۳۰.
- ۱۶- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶-۱۳۷۷). سالنامه آماری کشور.
- ۱۷- مرکز آمار ایران (شهریور ۱۳۷۵-۱۳۷۶). نتایج تفصیلی کل کشور، نشریه شماره (۱) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- ۱۸- عبدالمهی، م (۱۳۷۷). نظام های بهره برداری، تهران، وزارت کشاورزی.
- ۱۹- فرجادی، غ و عباسی، ح (۱۳۷۶). بازار کار، اشتغال و بیکاری، اقتصاد ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه، تهران، ص ۳۱۲.

- 20 - Parsons Talcott (1976), **The social system** New York, MC Graw Hill Book
- 21- Parsons Talcott , (1976).**The structure of social Action** New york Free press.
- 22- Giddens Anthony. (1994). **social theory today**, New york free press.
- 23- Hetten. Burjn, (1997). **Order word**, security and development European jornal of development studies.

